

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم

مهدی ندائی^۱

محمد رضا هدایت پناه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۱، صفحه ۱۵۲ تا ۱۷۲ (مقاله پژوهشی)

چکیده

منطقه اهواز در سده دوم و سوم، دوران شکوفایی علمی خود را داشته است و توانست مرکز حدیثی توانایی را رقم زند. محدثانی مانند فضاله بن ایوب اهوازی و حسن بن سعید و حسین بن سعید بن حماد اهوازی، خاندان مهزیار اهوازی و حنینی اهوازی از راویان مطرح در این مرکز حدیثی هستند. آنها علاوه بر نقش وکلای ائمه اطهار(ع)، حضوری تأثیرگذار در مراکز مهم علمی شیعه را نیز داشته اند. برخی از آنان مانند برادران حماد اهوازی، با تدوین کتب سی گانه فقهی از طهارات تا دیات نقش تعیین کننده ای در تطور جامع نگاری فقه شیعه داشته اند تا آنجا که جامع حدیثی ایشان ملاک و مقیاس تألیفات دیگر محدثان و فقهای شیعه قرار گرفت. از آنجا که این مرکز حدیثی در کتب تاریخ شیعه مغفول مانده است، این نوشتار با تبیین مؤلفه های مرکز حدیثی، در پی آن است تا حوزه علمی اهواز را به عنوان یک مرکز حدیثی شیعه به آزمون بگذارد و نقش آن را در جامع نگاری فقهی بیان نماید.

کلیدواژه‌ها: مرکز حدیثی، برادران حماد، خاندان مهزیار اهوازی، کتب سی گانه.

^۱ طلبه درس خارج موسسه فقهی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قم، (نویسنده مسئول).

iran_m90@yahoo.com

^۲ دانشیار پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم. mrhp1345@gmail.com

درآمد

تاریخ حدیث نشان‌دهنده گذشته حدیث و بخش مهمی از علوم حدیث است. لذا با بررسی آن می‌توان بهتر و دقیق‌تر با حدیث ارتباط برقرار نمود. مطالعه حدیث در بستر تاریخ سبب هویت بخشی به آن خواهد شد و جایگاه آن را به خوبی نشان می‌دهد. یکی از بخش‌های مهم مطالعه تاریخ حدیث بررسی مراکز حدیثی است تا مشخص شود چه مراکز جغرافیایی بیشترین تأثیر و کارکرد را در حفظ و انتشار حدیث داشته‌اند. بنابراین بررسی حوزه‌ها و مراکز حدیثی به مفهوم بررسی کردن و پی بردن به بخشی از تاریخ حدیث است.

مرکز حدیثی شیعه شهری است که شیعیان در آن سکونت داشته‌اند و تمامی جمعیت شهر یا بخش قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می‌دادند، در آن شهر محدثان و راویان شیعه به فعالیت‌های حدیثی می‌پرداخته و کتابهای حدیثی یا علوم حدیث تألیف می‌کرده‌اند، همچنین در چنین شهری حلقه‌های درسی برپا می‌شده است و احیاناً یکی از معصومان (ع) در آن شهر سکونت داشته‌اند، اگر منطقه ای بیشتر این مؤلفه‌ها را داشته باشد، به آن منطقه، مرکز حدیثی اطلاق می‌شود (مهریزی، ۱۳۸۷ش، ۱۰)

شناخت مراکز حدیثی و بررسی دستاوردهای آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در ترسیم صحیح جریان رشد و تطور علمی معارف امامیه دارد. تألیف کتب یکی از مؤلفه‌های مهم مراکز حدیثی است که گاهی با توجه به حضور راویان برجسته شاهد ایجاد سبک‌های جدید در تألیف آن می‌باشیم. یکی از مباحثی که در بستر این مطالعات می‌توان به آن پرداخت موضوع رویکرد جامع نگاری کتب فقهی امامیه است.

جامع در لغت به معنای تمام و کامل (معین، ۱۳۵۰ش) است. در اصطلاح، میان علما و مولفین کتب حدیثی شیعه در مفهوم جوامع حدیثی اختلاف وجود دارد (برای تفصیل بحث، نک: حسین زاده، ۱۳۸۵ش، ۱۲۱-۱۳۴)، ولی با توجه به جامعیت در مباحث فقهی که مورد توجه این پژوهش است می‌توان گفت جامع فقهی به کتاب حدیثی گفته می‌شود که احادیث بترتیب ابواب فقه یا بترتیب حروف تهجی مدون شده باشد (دهخدا، ۱۳۵۹ش) و یا براساس موضوعات فقهی نوشته شود (جدیدی نژاد، ۱۴۲۲ق، ۵۰). دسته بندی روایات در موضوعات مختلف و تألیف آن با نام کتب جامع از دست آوردهای فعالیت حدیثی است که می‌توان در مطالعه مراکز حدیثی به آن پرداخته شود.

طرح مسأله

محدوده اهواز در سال ۲۶۶ توسط قدامه بن جعفر به هفت ناحیه تقسیم گردید که مهمترین آنها شامل نواحی سوق الاهواز در کنار شهر بصره، تستر، جندی شاپور و رام هرمز است (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱ق، ۱۳۶). آنچه از اهواز در این تحقیق مورد توجه واقع شده، امروزه با نام مرکز خوزستان مطرح و راویان و محدثان آن خطه را مورد بررسی قرار داده و نقش آنان را نمایان ساخته است.

منطقه اهواز با اینکه اکثر ویژگی های یک مرکز حدیثی را خصوصاً در سده دوم و سوم دارا بوده است، ولی به سبب عدم بررسی و کار تحقیقاتی متمرکز، نام آن در هیچ یک از کتب حدیثی به عنوان یک مرکز حدیثی مشاهده نمی شود. یکی از مهمترین ویژگی های این مرکز حدیثی مهم شیعه، نقش و جایگاه خاص آن در تألیف کتب جامع فقهی است که توسط برادران حماد اهوازی به عنوان کتب ثلاثین نگاشته شده است. می توان ادعا نمود تألیف این کتب سبب شد بسیاری از کتب فقهی شیعه به همین نحو نگاشته شود. تألیف کتب سی گانه توسط علی بن مهزیار اهوازی و مشابهت آن به کتب حسین بن سعید نشان دهنده استمرار این شیوه در مرکز حدیثی اهواز است که پس از حضور حسین بن سعید در قم محدثان به تقلید از این سبک پرداختند. علی رغم مشابهت بسیاری از کتابهای جامع فقهی به این کتب برادران حماد اهوازی ولی بررسی ویژگی ها و علل معیار قرار گرفتن این مجموعه بدیع برای دیگر محدثان شیعی در فعالیتهای پژوهشی دیده نمی شود.

در آثار مرتبط با این مرکز حدیثی برخی به بررسی خانواده های تأثیر گذار این بلاد پرداخته اند که از جمله آن می توان به مقاله «بررسی جایگاه علی بن مهزیار و خاندان وی در وکالت ائمه (ع)» (عباسی و عبیدی پور، ۱۳۹۲ش، ۲۱-۲۴)، «علی بن مهزیار کارگزار ویژه حضرت امام هادی (ع)» (پاک نیا، ۱۳۸۷ش، ۱۹-۳۰)، «علی بن مهزیار اهوازی» (حسین پوری، ۱۳۸۲ش، ۱۲۳-۱۳۸) و «حسین بن سعید اهوازی» (عدالت نژاد، ۱۳۸۷ش، ۳۸۸-۳۹۰) اشاره نمود.

توجه به جریان ورود تشیع به منطقه اهواز نیز در اثری به عنوان *تشیع در اهواز در سه قرن نخست اسلامی* مورد توجه واقع شده است (جعفریان، ۱۳۹۳ش، سراسر اثر). در بحث جایگاه علمی حوزه اهواز در مقاله ای با نام «نقش حوزه اهواز در مواجهه با فرق و گروههای کلامی منطقه در دوران ابناء الرضا (ع)» پرداخته شده است (هدایت پناه، ۱۳۹۶ش، ۲۲۱-۲۴۸). حوزه اهواز به سبب بالندگی مورد توجه حوزه قم آن هم در اوج دوران شکوفایی و مرجعیت علمی خود بوده است این ارتباط علمی در

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۵۵>

مقاله ای تحت عنوان «مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرن های دوم و سوم» به تصویر کشیده شده است (هدایت پناه و خانجانی، ۱۳۹۵ش، ۷-۵۴).

در بحث جامع نگاری در کتب روایی توجه به این جریان در میان محدثان امامیه در برخی آثار دیده می شود که می توان به مقاله «بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی» (موسوی و حسین زاده، ۱۳۹۸ش، ۱۲۱-۱۳۴) و همچنین مقاله «جامع نویسان پیش از کلینی» اشاره نمود (طباطبائی، ۱۳۸۸ش، ۸-۳۳).

با وجود بیان این مباحث و ویژگی ها برای حوزه علمی اهواز اما نام این حوزه هیچ گاه در میان مراکز حدیثی شیعه دیده نشده و مؤلفه های یک مرکز در مورد این منطقه به بررسی و تحقیق گذاشته نشده است و شاید همین سبب شده است تا علی رغم حضور بسیاری از خانواده ها و راویان برجسته در این منطقه به نقش آن در پیشبرد معارف شیعه امامیه آنطور که می بایست نیز پرداخته نشده است. به نظر می رسد پرداختن به این حوزه به احیای بخشی از تاریخ مغفول شیعه در ایران کمک می کند و عدم توجه به آن منجر به نادیده گرفته شدن بخش برجسته ای از تاریخ حوزه های علمی شیعه می شود.

این تحقیق ابتدا با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه ای با فحص در میان کتب مرجع شیعه، با تبیین مؤلفه های مرکز حدیثی، در پی آن است تا حوزه علمی اهواز را به عنوان یک مرکز حدیثی شیعه در سده دوم و سوم به آزمون بگذارد و سپس با توجه به آثار مکتوب این حوزه بخصوص در جامع نگاری فقهی، جایگاه ویژه اهواز را در این سبگ نگارش کتب فقهی مورد بررسی قرار دهد.

۱. راویان اهوازی

از مؤلفه های مهم یک مرکز حدیثی وجود راویان در آن منطقه است (برای تفصیل بحث، نک: مهریزی، ۱۳۸۷ش، ۱۰). در حوزه علمی اهواز نه تنها راویان بلکه خانواده های محدث برجسته ای وجود داشته است که نقش تعیین کننده ای در جریان حدیثی شیعه ایفا نموده اند.

الف) برادران حماد اهوازی

حسن و حسین بن سعید بن حماد اهوازی در اصل کوفی بوده ولی سالها در اهواز ساکن بوده اند و به اهوازی نیز شهرت داشتند و اگرچه بعد از اهواز به قم مهاجرت کردند ولی به قم منسوب نشدند. این دو برادر مکتوبات بسیاری داشته اند که معروف ترین آنها کتب سی گانه است که به صورت مشترک با هم تالیف نموده اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۵۸). آنها از اصحاب امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و

امام هادی (ع) بوده اند (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ۲۹۹؛ برقی، ۱۳۴۲، ۵۴، ۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۵، ۳۵۵، ۳۷۴، ۳۸۵). نجاشی به نقل از اصحاب امامیه ایشان را از اولین نشر دهندگان حدیث کوفیان در قم بیان می کند (نجاشی، ۱۴۱۶، ۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۴، ۳۶؛ ابن شهر آشوب، ۴۰). علی بن یحیی دایی ایشان از موالی امام سجاده (ع) و از اصحاب امام رضا (ع) (طوسی، ۱۴۱۵، ۳۶۰/۲) و جعفر بن یحیی بن سعد الاحول دایی دیگر آنان از اصحاب امام جواد (ع) است (نجاشی، ۱۴۱۶، ۵۸؛ طوسی، ۱۴۱۵، ۱/۲، ۳۷۴). حسن بن سعید همان شخصی است که اسحاق بن ابراهیم حنینی، عبدالله بن محمد حنینی، علی بن ریان و علی بن مهزیار را نزد امام رضا (ع) برد و سبب شناخت و آشنایی آنها با امام شده است (حلی، ۱۳۹۲، ۳۹؛ برقی، ۱۳۴۲، ۵۶؛ کشی، ۱۴۰۹، ۵۵۲؛ طوسی، ۱۴۱۵، ۳۵۴). نام حسین بن سعید به عنوان یک راوی موثق (برقی، ۱۳۴۲، ۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۵، ۴۱۵) در اسناد بیش از پنج هزار حدیث به چشم می خورد که نشان دهنده رتبه والای او در ترویج معارف شیعه است (خویی، ۱۴۱۳، ۲۶۵-۲۴۵/۵).

ب) خاندان مهزیار اهوازی

ابوالحسن علی بن مهزیار دورقی اهوازی محدث، مفسر و فقیه امامیه و برجسته ترین شخصیت خاندان مهزیار اهوازی است. علی بن مهزیار در هندیجان از توابع دورق که یکی از شهرهای مهم خوزستان (اهواز) است به دنیا آمد و سپس به سوق اهواز (اهواز کنونی) و مناطق عرب نشین غرب خوزستان رفت و در آنجا ساکن شد (نجاشی، ۱۴۱۶، ۵۴۸). او فردی ثقه، مورد اعتماد، دارای اعتقادی صحیح، عابد، بدون عیب و نقص در اخلاق و رفتار، و دارای روایات و صاحب تألیفاتی است که علمای شیعه کتب و روایاتش را معتبر دانسته و پذیرفته اند (طوسی، ۱۴۱۴، ۲۶۵). او از امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) روایت نقل نموده است (خویی، ۱۴۱۳، ۲۱۳/۱۳).
مقام او نزد امام جواد (ع) نیز از جایگاه والایی برخوردار است. امام جواد (ع) طی نامه ای، به مدح و دعا در حق ایشان پرداختند:

یا علی! خداوند پاداش تو را نیکو گرداند و در بهشت خودش جای دهد، ... از خدا می خواهم چون اولین و آخرین را برای قیامت جمع کند، رحمتی بر تو عنایت فرماید که بوسیله آن مورد غبطه دیگران باشی که او شنونده دعاست (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۵/۵۰).

نامه های دیگر حضرت جواد (ع) به او همه از رضایت کامل از علی بن مهزیار و دعاها و

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۵۷>

تمجیدهای خاص آن امام در حق علی بن مهزیار صراحت دارد (کشی، ۱۳۴۸ش، ۲/۸۲۶).

ابراهیم بن مهزیار ابواسحاق اهوازی و محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی که ابراهیم پس از برادرش علی، بزرگ خاندان مهزیار بوده است. شیخ طوسی ابراهیم را از اصحاب امام هادی (ع) و امام جواد (ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۷۴، ۳۸۳) و محمد پسرش را از یاران امام حسن عسکری (ع) بیان می کند (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۰۲). طبرسی در بیان غیبت صغری حضرت حجت (عج) به سفراء و نواب حضرت اشاره کرده و نام ابراهیم بن مهزیار، و محمد بن ابراهیم را ذکر می کند (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۲/۲۵۹) و نیز شیخ صدوق درباره جایگاه ویژه آنها بیان می دارد که آنها با امام زمان (عج) ارتباط داشتند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۲/۴۴۲).

در کتب رجالی برای علی بن مهزیار دو فرزند نام برده اند به نام های، محمد بن علی بن مهزیار اهوازی (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۴۲۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۳۰/۱۷) و حسن بن علی بن مهزیار که فرزند او محمد بن حسن بن علی بن مهزیار اهوازی از مشایخ محدث شهیر شیعه محمد بن قولویه بوده اند و ابن قولویه روایات آنها را در کامل الزیارات نقل کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۱۱/۱، ۱۹، ۲۴)، علی بن احمد بن مهزیار اهوازی (خویی، ۱۴۱۳ق، ۱۲/۲۸۰)، داود بن مهزیار اهوازی شیخ طوسی داود را از اصحاب امام جواد (ع) برشمرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۷۵)، علی بن محمد بن مهزیار اهوازی، احمد بن مهزیار اهوازی و علی بن احمد بن مهزیار اهوازی هر دو از مشایخ شیخ صدوق بوده اند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ۵۰۱).

ج) دیگر راویان

فضاله بن ایوب آزدی محدث، مفسر و فقیه بوده و اواخر عمر خود را در اهواز زندگی کرده است. از اصحاب و فقهای مورد اعتماد امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بوده است و او را جزء اصحاب اجماع به شمار آورده اند (کشی، ۱۴۰۹ق، ۱/۵۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۲/۸۳۰).

اسحاق بن ابراهیم حضینی او همان کسی است که به واسطه حسن بن سعید بن حماد اهوازی به خدمت امام رضا (ع) نائل شد (حلی، ۱۳۹۲ق، ۵۸) و از اصحاب امام جواد (ع) نیز شمرده شده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۷۳)، محمد بن ابراهیم حضینی اهوازی بر اساس روایتی که کشی آن را آورده امام جواد (ع) او را از خصیصین شیعیان بر شمرده است (کشی، ۱۴۰۹ق، ۲/۸۳۵). حمدان بن ابراهیم حضینی اهوازی شیخ طوسی از او در شمار اصحاب امام رضا (ع) نام برده است (طوسی، ۱۴۱۵ق،

۳۵۶)، موسی بن محمد حنینی از اصحاب امام هادی (ع) است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۹۲).

عبدالله بن محمد بن حصین الحنینی عبدی اهوازی، نجاشی دو بار در حق او گفته که از امام رضا (ع) روایت نقل کرده، ثقه و دارای کتاب بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۲۷). احمد بن محمد حنینی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بوده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۲، ۳۹۷)، موسی بن محمد حنینی شیخ طوسی و برقی او را از اصحاب امام هادی (ع) برشمرده اند (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۲؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۲۰/۸۳).

محمد بن حصین اهوازی از اصحاب ابی الحسن الثالث امام علی النقی الهادی (ع) است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۹۱)، ابوالحصین بن الحصین از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) معرفی شده است و شیخ طوسی و دیگر علمای شیعه او را توثیق نموده اند (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۷۹، ۳۹۳؛ حلی ۱۳۸۱ش، ۳۰۰؛ حلی، ۱۳۹۲ق، ۲۱۶؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ۲۲/۱۹) وی در اهواز ساکن بوده است (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۹۳).

حسین بن عبدالله ارجانی از اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) است و از امام جواد (ع) روایت دارد (اهوازی، ۱۳۹۹ق، ۶)، ابن سکیت اهوازی ابویوسف یعقوب بن اسحاق از رجال برجسته امامیه و از خواص اصحاب امام جواد (ع) و امام هادی (ع) است و از امام جواد (ع) روایت نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۴۴۹؛ کاشف الغطاء، ۱۴۱۵ق، ۳۸۸). محمد بن جبرئیل اهوازی راوی توفیق ناحیه مقدسه به محمد بن ابراهیم بن مهزیار است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق، ۴۸۶/۲). نجاشی درباره او بیان می دارد که دارای کتاب بوده و با سه واسطه آن را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۳۹).

زیدان بن حسن بن سعید بن حماد بن سعید معروف به ابن اهوازی ابن ندیم بدون هیچ توضیحی پس از شرح حال حسن و حسین بن سعید اهوازی از او نام برده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱ش، ۲۷۷)، عمرو اهوازی بر اساس روایتی وی از جمله افراد خاصی بود که امام حسن عسکری (ع) در خلال زمان تولد امام مهدی و وفات امام عسکری (ع) برای اتمام حجت، امام زمان (عج) را به عنوان امام پس از خود به این افراد معرفی نمود و به او فرمود: هذا صاحبکم بعدی (کلینی، ۱۳۵۰ش، ۱/۳۲۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲/۳۴۸؛ حلی، ۱۳۷۵ش، ۴۲۷؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۲/۲۵۲؛ اربلی، ۱۴۰۳ق، ۳/۲۴۶) و طبرسی در اعلام الوری او را از نواب و سفرای عصر غیبت صغرا برشمرده است که امامیه در این امر هیچ اختلافی نداشتند (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۲/۲۵۹).

محمد بن عیسی بن علی بن محمد بن زیاد قیسی تستری (ابوغالب زراری، ۱۳۶۹ ش، ۳۲)، احمد بن الفضل (المفضل) اهوازی بنا بر بررسی اسناد می توان دریافت که وی در عصر امام جواد تا امام عسکری (ع) می زیسته و حتی با واسطه احمد بن بکر از امام عسکری (ع) روایتی نقل کرده است (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ۳۹۹) و احمد بن روح اهوازی (قطنی، ۱۴۲۴ ق، ۳/۴؛ ابونعیم، ۱۴۱۰ ق، ۷/۱)، در فهرست شیخ طوسی آمده است احمد بن روح دارای روایات و صاحب تألیفاتی است که علمای شیعه کتب و روایاتش را معتبر دانسته و پذیرفته اند (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۲۶۵).

۲. حضور شیعیان و جایگاه علمی حوزه اهواز

از مؤلفه های مهم مراکز حدیثی که در تعریف آن بیان می شود سکونت قابل توجهی از شیعیان، تألیف کتب، وجود حلقه های درسی و حضور اساتید بزرگ و مشایخ اجازه یا محدثان بزرگ است (برای تفصیل بحث، نک: مهریزی، ۱۳۸۷ ش، ۱۰) که این موارد درباره منطقه اهواز به آزمون گذاشته می شود.

الف) قبائلو خانواده های شیعی در اهواز

عبدالقیس که قبل از سال ۳۰ به تشیع گرایش داشتند و یکی از مشهورترین قبایل شیعه در این منطقه می باشند. پیوند آنان با موالی ایرانی به خوبی نشان دهنده گرایش شیعی آنان است (لوئی، ۱۳۸۸ ق، ۱۷) و همچنین خاندان بنوالذیل از قبیله عبدالقیس، که بنی صوحان از این قبیله بودند که از شیعیان بسیار محکم و استوار در عقیده بوده اند. تیره بنوعمور از عبدالقیس نیز در بصره حضور داشتند (لوئی، ۱۳۸۸ ق، ۵۱) که برخی از افراد آن پس از سرکوب قیام ابراهیم برادر نفس زکیه، از بصره به شوشتر هجرت کردند که عیسی بن علی بن محمد بن زیاد قیسی تستری (موحد ابطحی، ۱۴۰۰ ق، ۲۲۱) و فرزندش محمد از این قبیله بوده اند که از ناحیه مقدسه توقیعی برای او صادر گردید (موحد ابطحی، ۱۴۰۰ ق، ۱۹، ۲۲۷). خاندان آل زراره از همین خانواده هستند و این شخص از اجداد مادری ابوغالب زراری نویسنده *تاریخ آل زراره و رساله فی آل امین* است (موحد ابطحی، ۱۴۰۰ ق، ۲۱۳، ۲۲۸).

خانواده علمی شیعی آل رسان اسدی کوفی از خانواده های دیگر است که ابواحمد محمد بن عبدالله زبیری یکی از افراد مشهور این خانواده است و حتی راویان برجسته اهل سنت از او نقل روایت کرده اند. وی در سال ۲۰۳ در اهواز وفات کرده است. پدر او عبدالله بن رسان از چهره های

مطرح حدیثی و از شاعران کوفه بوده است و شعری از او در باره شهادت مسلم و هانی بن عروه در مقاتل آمده است (برای دیدن اشعار، نک: اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ۷۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۶۴/۲).

بنی دبیس نیز که نسب آنان به بنی اسد می‌رسد در خوزستان بوده اند و سپس از آنجا هجرت کردند. همچنین از قبیله بجیله در میان محدثان شیعه در اهواز نام برده شده است. ابوعلی احمد بن اسماعیل بن عبدالله بجلی اهوازی قمی ملقب به سمکه (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۷۷؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۶۶) از این قبیله است. با تشکیل نهاد وکالت در زمان امام موسی کاظم (ع) و تعیین افراد مورد وثوق، ارتباط شیعیان این بلاد با امامان به وسیله نمایندگان برجسته بیشتر شد. بین امام و شیعیان در اهواز مکاتبه‌هایی نیز صورت گرفته است و برخی از حکام شیعه مذهبی که گاه در دوره بنی امیه اداره ولایتی را می‌پذیرفتند ارتباط خود را با امامان شیعه حفظ نموده و از آنها در چگونگی تعامل با مردم راهنمایی می‌طلبیدند، چنانکه عبدالله بن نجاشی حاکم اهواز در نامه‌هایی از امام صادق (ع) طلب ارشاد می‌نمود.

ب) تألیفات

مشهورترین اثر تألیفی حوزه اهواز متعلق به برادران حماد، حسن و حسین بن سعید اهوازی با نام کتب سی گانه است. این کتب گرانها توسط هردو تدوین شده و از طهارت تا دیات را در بر گرفته است که از جمله آن *کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب المکاسب، کتاب اللیات*،... (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۵۸) می‌باشد که فهرست کامل آن در کتب رجال آمده است. در مورد اهمیت این کتب و تأثیر آن در آثار فقهی فقهای شیعه در بخش جامع نگاری به آن پرداخته خواهد شد.

در کتب رجالی برای علی بن مهزیار اهوازی تألیفاتی را ذکر کرده اند که برخی از کتابهای او مربوط به اضافاتی است که به کتب حسین بن سعید نموده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۳). برای حسین بن سعید ۳۲ کتاب و برای علی بن مهزیار ۳۸ کتاب ذکر شده است. از میان این کتب عنوان ۲۹ کتاب که همه فقهی هستند بین آنها مشترک است. حسین بن سعید سه کتاب *بهار، مومن و فرائض* را دارد که احتمالاً چون فقهی نبودند علی بن مهزیار به آنها پرداخته است، زیرا کتب سیگانه فقهی به پیروی از حسین بن سعید و با همان نامها در بین محدثان مرسوم گشت. در میان کتب علی بن مهزیار، کتابهای *اسلام سلمان فارسی، وفات ابوذر، نامه های علی بن اسباط، حروف القرآن، قائم، موارث* و *نواد* دیده می‌شوند که برای حسین بن سعید ذکر نکرده اند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۳).

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۶۱>

نجاشی فهرست کتاب های علی بن مهزیار را بیان می دارد که به نام همان تألیفات سی گانه برادران حماد اهوازی نگاشته شده و بیان می دارد که او **کتاب حروف**، **کتاب قائم**، **کتاب بشارات**، **کتاب انبیاء**، **کتاب نوادر** را بر کتب حسین بن سعید اضافه نموده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۳).
راوی دیگر صاحب تألیف منطقه اهواز ابراهیم بن مهزیار ابواسحاق اهوازی است که کتاب **بشارات** را نوشته است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۶). نجاشی، عبدالله بن محمد بن حصین حصینی عبدی اهوازی را نیز از روایان حدیث امام رضا (ع) و صاحب تألیف می داند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۲۷)، همچنین وی درباره محمد بن جبرئیل اهوازی به این جمله بسنده می کند که او دارای کتاب بوده است، و با سه واسطه آن را روایت کرده است، لکن آقا بزرگ تهرانی نام آن را کتاب **الحدیث** بیان کرده است و ابن ندیم گفته است او دارای کتابی با نام **الاحتجاجات** بوده است (ابن ندیم، ۱۳۸۱ش، ۲۷۷). در مورد راوی برجسته فضاله بن ایوب نجاشی بیان می دارد که او نویسنده کتابهای **صلوه** و **نوادر** است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۱۱) و نیز در مورد احمد بن روح اهوازی در فهرست شیخ طوسی آمده است او دارای روایات و صاحب تألیفاتی است که علمای شیعه کتب و روایاتش را معتبر دانسته و پذیرفته اند (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۶۵).

ج) حلقه های درس، حضور مشایخ اجازه

برای روشن شدن این بخش و اهمیت و جایگاه اساتید و مشایخ اهوازی به تبادلات علمی میان اهواز و یکی از مهمترین مراکز حدیثی یعنی قم پرداخته می شود.
در سده دوم و سوم، حضور شخصیت های مهم شیعی در اهواز مثل خاندان علی بن مهزیار، حسین بن سعید و فضاله بن ایوب جایگاه علمی این دیار را بیش از پیش پررنگ تر نمود. در این دوره، با توجه به اینکه قم نیز مرکزی برای اجتماع بزرگان شیعه بوده است، تبادلات گسترده ای بین این دو حوزه علمی برقرار شد که نمونه های روشن آن در کتب معتبر شیعی به ثبت رسیده است. در منابع رجالی گزارش هایی از مهاجرت مشایخ قمی به اهواز و بالعکس وجود دارد که گاهی نیز به سکونت دائمی ختم شده است.

برای نمونه حضور عالم و محدث برجسته شیعه شیخ صدوق در منطقه اهواز است. وی روایات متعددی از طریق حسن بن علی بن مهزیار و نیز پسرش، محمد (تاریخ آل زراره، ۱۳۹۹ق، ۲۱۴) نقل کرده است و هر دو از مشایخ او می باشند (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۳۹۳). ابن قولویه در سندی تصریح

کرده است که برای اخذ روایات خاندان مهزیار اهوازی به خوزستان آمده و در منطقه عسکر مکرّم نزد ابو عبدالرحمن مهمان بوده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۷۵) وی برخی از روایات حسن بن علی بن مهزیار را نیز از طریق ابو عبدالرحمن محمد بن احمد بن حسین عسکری، که از علما و محدثان عسکر مکرّم خوزستان بوده، اخذ کرده است. یکی دیگر از شخصیت های برجسته قم، علی بن ابراهیم قمی، صاحب تفسیر قمی است که با حسن بن علی بن مهزیار رابطه علمی داشته و از او روایت کرده است (قمی، ۱۳۶۳ش، ۳۳۵/۲).

علاوه بر رابطه میان مشایخ و بزرگان قم با اهواز، ارتباطات علمی دو خاندان برجسته اهواز و قم یعنی آل مهزیار اهوازی و اشعریان قمی است که پیوند این دو مرکز علمی و پراهمیت تشیع را جلوه ای خاص بخشیده است و نشانه ای از تعامل و مهاجرت دانشمندان این دو مرکز علمی است (جباری، ۱۳۸۴ش، ۳۷۵-۳۷۹). این ارتباط ها نشان می دهد رابطه علمی میان این دو مرکز علمی امامیه از سوی بزرگان و راویان هر یک از مراکز به بهترین صورت شکل گرفته است و از یکدیگر بهره برده اند.

جدول مجموع روایات دیده شده از راویان اهوازی در کتب قم

نام کتاب	تعداد روایت	نام کتاب	تعداد روایت
من لایحضر الفقیه	246	النوادر	12
أمالی	38	تفسیر قمی	32
علل الشرایع	91	المحاسن	31
عیون الأخبار الرضا	8	بصائر الدرجات	235
معانی الأخبار	48	الإمامة و التبصرة	13
الخصال	29	کامل الزیارات	70
کمال الدین	49	مجموع	902

طبق این آمار در گنجینه های مکتوب اهل قم مانند *من لایحضر الفقیه*، *أمالی* (برای نمونه، نک صدوق ۱۴۱۳ق، ۱/ ۶۴، ۱۱۲، ۱۶۲، ۳/ ۱۵۳، ۲۴۱، ۳۷۶، ۴/ ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۰)، *أمالی* (برای نمونه، نک صدوق، ۱۳۷۶ش، ۱/ ۲۷۷، ۴۶۴، ۴۹۹)، *علل الشرایع* (برای نمونه، نک صدوق، ۱۳۸۵ش، ۱/ ۵۱، ۵۳،

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۶۳>

۱۲۰، ۲ / ۳۳۲، ۳۴۰، ۳۵۲)، *عیون اخبار الرضا* (برای نمونه، نک: ۳۱۳/۱، ۲۷۲، ۱۱۲، ۱۳۱/۲، ۲۲۲، ۲۶۱)، *معانی الاخبار، الخصال* (برای نمونه، نک: صدوق، ۱۴۰۳، ۱۶/۱، ۱۵۳، ۱۷۳، *الخصال* (برای نمونه، نک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱ / ۴، ۳۹، ۸۰، ۲ / ۳۸۷، ۵۰۲، ۶۰۲)، *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق (برای نمونه، نک: ۱ / ۷۲، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲ / ۳۵۱، ۴۱۵)، *النوادر احمد اشعری* (برای نمونه، نک: ۲۶، ۲۷، ۴۲)، *تفسیر قمی* علی بن ابراهیم (برای نمونه، نک: قمی، ۱۳۶۳ش، ۱ / ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۸۸، ۲ / ۱۰۷، ۲۸۷، ۳۵۲)، *المحاسن احمد بن محمد بن خالد برقی* (برای نمونه، نک: برقی، ۱۳۷۱، ۱ / ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۰۰، ۲ / ۳۲۱، ۴۳۰، ۴۹۹)، *بصائر الدرجات صفار* (برای نمونه، نک: صفار، ۱۴۰۴، ۱ / ۳۵، ۴۲، ۵۰)، *الإمامة و التبصرة* ابن بابویه علی بن حسین (برای نمونه، نک: صدوق، ۱۴۰۴، ۶۶، ۱۰۱، ۱۲۱) و *کامل الزیارات* ابن قولویه قمی (برای نمونه، نک: ابن قولویه، ۱۳۵۶ش، ۱۵، ۲۱، ۲۴، ۲۵) در مجموع ۹۰۲ روایت خود را به نقل از راویان اهوازی اختصاص داده اند.

این حجم گسترده از روایات در کتب اصلی شیعه نشانه ایست برای اثبات پویایی این حوزه علمی و توجه ویژه بزرگان حوزه علمی قم، آن هم در دوره ای که خود سکان دار جریان علمی و محل توجه و رفت و آمد عالمان بزرگ شیعه بوده است، و این عمق برجستگی حوزه علمی اهواز را به اثبات می رساند. آمار روایی موجود در کتب قمی ها به خوبی نشان می دهد که حوزه علمی اهواز برای جامعه حدیثی شیعه آن دوران آن قدر مشهور بوده و اعتبار داشته است که قم بعنوان مهم ترین مکتب حدیثی شیعه، به آنان توجه و اعتماد کامل داشته و از آنان بهره برده است. این مطلب از آن رو دارای اهمیت است که از ویژگی های مطرح مکتب قم در بهره گیری از دیگر محدثان، دقت و سخت گیری علمی روش آنان نسبت به راویان بوده است.

این احادیث توسط راویانی از حوزه قم نقل شده است که در میان قمی ها از جایگاه بس والایی برخوردار بوده اند. افرادی همچون عباس بن معروف، محمد بن خالد برقی، سعد بن عبدالله اشعری قمی و عبدالله بن جعفر حمیری از جمله راویان طرق قمی به محدثان اهوازی هستند. بر کسی پنهان نیست که کتب و روایات این راویان برجسته قم تأثیر بسیار مهمی را در تطور علوم و معارف شیعه داشته اند. لذا می توان از این منظر به نقش راویان اهوازی در این امر مهم پی برد.

۳. جامع نگاری فقهی

کتب جامع حدیثی شیعه با محوریت موضوعات فقهی تحت عنوان *الجامع فی الفقه* (ابن

ندیم، ۱۳۸۱ش، ۲۵۳، ۲۷۴؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵). *الجامع فی سائر ابواب الحرام والحلال* (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۵۹؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳۸) در کتب تراجم و رجال به چشم می خورد. کتب اربعه شیعه به عنوان نخستین جوامع روایی، حاصل گردآوری همین اصول و جوامع متقدم بوده و نویسندگان آنها خود آغازگر این سبک نبوده اند. در تقسیم بندی مراحل تاریخی تدوین جوامع حدیثی شیعه از کتب اربعه به عنوان جوامع متقدم و لکن ثانویه حدیث یاد شده (برای تفصیل بحث، نک هادی، ۱۳۸۸ش، ۲۱) که در مقابل جوامع اولیه قرار می گیرند.

کتب جامع فقهی که در مرکز حدیثی اهواز توسط برادران حماد اهوازی نگاشته شده از دسته جوامع اولیه است. قبل از کتب جامع سی گانه برادران حماد، جوامع دیگری در میان شیعیان وجود داشته است که به بررسی اجمالی و تمایز آنان می پردازیم.

الف) جامع نگاری کوفه

با توجه به آثار جوامع حدیثی متقدم در میان شیعیان می توان گفت این سبک جامع نگاری در میان محدثان کوفی دارای رونق بیشتری بوده است. برخی از آنان تنها در موضوعات خاصی به جمع آوری و جامع نگاری روایات پرداخته اند و یا در آثار خود به تفکیک موضوعی ابواب فقهی نپرداخته و بدون دسته بندی و تفکیک موضوعی احادیث را جمع آوری و بیان کرده اند.

الجامع فی سائر ابواب الحرام و الحلال ظریف بن ناصح کوفی ثقه (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۰۹؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۹۱) و از اصحاب امام باقر (ع)، جامع یا اصل عبیدالله بن علی بن ابی شعبه حلبی کوفی (م ۱۴۸ق) (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۳۰) که کتاب او را از اولین آثار جامع شیعه نامیده اند (برقی، ۱۳۴۲ق، ۲۳).

فی الحلال و الحرام مسعده بن زیاد ربیع کوفی از راویان امام صادق (ع) ثقه (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۴۱۵؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۱۷۳)، *الجامع فی الفقه* حسن بن صالح کوفی (م ۱۶۸ ق) از اصحاب امام باقر (ع) و زیدی (حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۱۰) که او را از اصحاب امام کاظم (ع) نیز نامیده اند (جدیدی نژاد، ۱۴۲۲ق، ۵ / ۳۵۱)، *الجامع فی الفقه* اثر ثابت بن هرمز ابی المقدم الکوفی از طبقه امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق (ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱۱) است که در کتب رجال او را زیدی بتری (حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۰۹) و البته نجاشی او را ظاهراً غیر امامی می داند (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۶۰).

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۶۵>

مبوب فی الحلال و الحرام یعقوب بن سالم احمر کوفی از راویان امام صادق (ع) ثقه و امامی (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۴۴۹؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۱۸۶)، **مبوب فی الحلال و الحرام** محمد بن علی بن ابی شعبه حلبی کوفی (م۱۴۸ق) از روات ثقه (حلی، ۱۳۸۱ش، ۲۰، ابن ندیم، ۱۳۸۱ش، ۳۸۵) و جلیل القدر (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۹۸؛ حلی، ۱۳۸۱ش، ۱۴۳) از اصحاب امام صادق (ع)، **مبوب فی الفرائض** رفاعه بن موسی اسدی کوفی از راویان موثق امام صادق (ع) و کاظم (ع) (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۶۶) **الجامع** احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی کوفی ثقه و از طبقه امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۵۱) که حسین بن سعید نیز از شاگردان وی تنها در **التهدیب** حدود ۳۲۲ روایت از او نقل می کند، **الجامع فی الحدیث** موسی بن القاسم بن معاویه بن وهب بجلی کوفی ثقه و صحیح المذهب (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۶۵) کتاب او را همانند کتب ثلاثون حسین بن سعید دانسته اند (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۴۵۳)، **جامع الفقه** منذر بن محمد بن سعید بن ابی الجهم قابوسی ثقه که به کوفه نقل مکان کرده بود (حلی، ۱۳۸۱ش، ۱۷۲).

ب) کتب ثلاثین مثل حسین بن سعید

کتب ثلاثین عنوان کتابهایی هستند که سبک جدیدی را در جامع نگاری کتب فقهی شیعه پایه گذاری نمودند. این آثار نخستین بار توسط برادران حماد اهوازی، حسن و حسین بن سعید پایه گذاری شد ولی به عنوان کتب حسین بن سعید شهرت یافت (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۴۶؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ۳۴۲). شیخ طوسی این کتب را برای حسن بن سعید نقل می کند و نجاشی آن را تألیف هر دو برادر می داند که با توجه به مقدم داشتن قول نجاشی در موارد اختلاف می توان این کتب را تألیف هر دو برادر دانست (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۵۸). این مشارکت در آن دوران بین برخی اصحاب وجود داشته است، به عنوان مثال علی و محمد فرزندان ریان بن الصلت اهوازی با یکدیگر کتاب نوشته اند (طوسی، ۱۴۱۵ق، ۹۰).

از جمله کسانی که به روش این دو برادر سی کتاب را در سی موضوع نگاشتند می توان به علی بن مهزیار اهوازی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱۵۲)، محمد بن اورمه قمی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۲۰)، صفوان بن یحیی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۴۱)، موسی بن قاسم بن معاویه بن وهب بجلی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۴۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش، ۱۲۰)، یونس بن عبد الرحمن (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۶۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش، ۱۳۲)، محمد بن حسن صفار قمی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش،

۱۰۲)، علی بن محمد بن جعفر بن عنبسه حداد عسکری (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۱۹۹)، محمد بن علی بن ابراهیم قرشی صیرفی (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۲۳) و محمد بن سنان (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۱۹)، ابو سمینه محمد بن علی بن صیرفی (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش، ۱۰۳) اشاره نمود که در وصف آنها نگاشته شده است که سی کتاب مانند حسین بن سعید داشته اند که این بیان و مشابهت مختص به این کتب سی گانه برادران حماد اهوازی است و برای هیچ اثر دیگری این خصوصیت دیده نمی شود.

مطالب فوق به خوبی اثبات می کند مدرسه اهواز، سبب نقطه عطف در جامع نگاری حدیثی شده است. لذا محدثان دیگری نیز به این شیوه قلم زده اند؛ موسی بن حسن (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۳۱۶)، عبدالله بن مغیره بجلی کوفی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۹۸)، علی بن حاتم قزوینی (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۹۲)، علی بن حسن بن فضال (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۹۲)، علی بن حسن طاطری (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۲) و حسن بن محمد بن سماعه (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۵۲) محدثانی هستند که به شیوه مدرسه اهواز کتاب نوشته اند. تألیف کتب سی گانه توسط علی بن مهزیار و مشابهت آن به کتب حسین بن سعید نشان دهنده استمرار این شیوه در مرکز حدیثی اهواز دارد که پس از آن با حضور حسین بن سعید در قم محدثان به تقلید از این سبک پرداختند.

نکته ای که می توان به اهمیت این سبک و انحصار آن برای حسین بن سعید اشاره کرد این است که با توجه به ویژگیهای خاصی که ایشان در تدوین کتب به عمل آورده اند، مشابهت به کتب سی گانه او منحصر در شاگردان نبوده است. صفوان بن یحیی که از اساتید و هم ردیفان حسین بن سعید شمرده می شود و سی کتاب نیز نگاشته است، به نحوی کتب خود را تدوین نموده است که شیخ طوسی در وصف ایشان بیان می دارد که او نیز مثل کتب حسین بن سعید اهوازی، سی کتاب دارد (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱۴۶). این نشانه ای از ویژگی های خاصی است که حسین بن سعید در تدوین کتب سی گانه نشان داده است. این روش کتب سی گانه در برخی از کتب اربعه نیز وجود دارد، شیخ طوسی در معرفی کافی آنرا با همین عنوان معرفی می کند که کافی شامل سی کتاب است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۲۱۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰ش، ۹۹).

ج) ویژگی های کتب سی گانه برادران اهوازی در دست نبودن اطلاعات دقیق از سرگذشت جوامع سبب شده است آنچه مورد مطالعه قرار می گیرد بیشتر بر اساس آثار و گزارشهای متقدمین باشد نه بر اساس اصل متون جوامع فقهی. از این رو

نمی توان به طور دقیق به اظهار نظر درباره ویژگی های منحصر بفرد و بیان تمایزات و مشترکات این جوامع پرداخت ولی با توجه به برخی از شواهد و قرائن می توان به برخی از ویژگی ها دست یافت. درباره آثار برادران حماد اهوازی نیز با توجه به عدم دسترسی به بیشتر این کتب نمی توان به تفصیل به ویژگی های خاص آن پرداخت ولی تشبیه کتب دیگر راویان به کتب ایشان که مشهور به حسین بن سعید است در هیچ یک از کتب متقدمین نمونه هایی ندارد و این خود نشانه ای از ایجاد یک سبک و سیاق جدید در جامع نگاری کتب فقهی در شیعه است.

از ویژگی های کتب سی گانه دسته بندی روایات در سی موضوع است این کتب از طهارت تا دیات نگاشته شده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۵۸). تعداد موضوعات این کتب با توجه به دسترسی بیشتر به احادیث و بررسی دقیق تر روایات در سیر تطور کتب فقهی رو به فزونی داشته است که یا حسین بن سعید احادیث زیادی در زمینه های دیگر نداشته و یا اگر داشته تحت عناوین دیگر آورده است، ولی این دسته بندی از طهارت تا دیات همان چیز است که امروزه در متون فقهی متداول است. این کتب مورد تقلید بسیاری از نویسندگان تا عصر کلینی بوده است و همان طور که بیان شد پس از کلینی نیز این شیوه نگارش از طهارت تا دیات تا به امروز ادامه یافته است. لذا نام و تعداد کتاب های سی گانه حسین بن سعید در فقه و حدیث شیعه نمادی برای یک دوره کامل موضوعات فقهی بوده است.

علاوه بر باب بندی و دسته بندی موضوعی روایات، نام گذاری هر کتاب به یک عنوان و تبعیت از این عناوین و روایات آن توسط محدثان دیگر از دیگر ویژگی های کتب سی گانه برادران حماد است، به عبارت دیگر اسامی آثار دیگر مولفان کتب سی گانه اغلب همان نام کتب حسین بن سعید است و حتی بیشتر مطالب آنها همان مطالب حسین بن سعید هستند که کم و زیاد به آنها افزوده اند که بیشتر شبیه حاشیه است و این نوع نگارش تبدیل به روشی در میان محدثان گشت که خود دلیلی بر جایگاه و عظمت ایشان در میان راویان و مولفان کتب شیعه است.

برای مثال نجاشی بعد از بیان اسامی کتب علی بن مهزیار بیان می دارد که او بر کتب حسین بن سعید اضافاتی داشته است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ۲۵۳). به عبارت دیگر کتب علی بن مهزیار را همان کتب حسین بن سعید بر می شمارد. در حقیقت کتب سی گانه ابن مهزیار زیادات و تغییراتی هستند که به کتب حسین بن سعید وارد شده است. بعد از برادران حماد سنت و روشی در میان مولفان کتب حدیثی ایجاد شد که با توجه به آن احادیث را در همان دسته بندی سی گانه کتب حماد البته با تغییراتی می

نوشتند که این روش در هیچ یک از کتب متقدمین نمونه‌هایی ندارد. با این همه، از سویی با توجه به شهرت کتاب‌های سی‌گانه برادران حماد اهوازی و از سوی دیگر دسترس نبودن بیشتر آنها به شکل اصلی خود، می‌توان گفت آثار ایشان جای پژوهش و تفحص بسیار دارد و پیشنهاد داد احیای کتب سی‌گانه برادران حماد اهوازی از منابع روایی موضوع تحقیق واقع شود.

نتیجه

منطقه اهواز به عنوان دروازه ورود اسلام به ایران در سده دوم و سوم با وجود قبایل و گروه‌های شیعی، راویان و محدثان برجسته‌ای مانند خاندان مهزیاراهوازی، برادران حماد اهوازی، حنینی‌ها و دیگر رجال برجسته که اکثراً از وکلا و نمایندگانه (ع) بوده‌اند و تألیف کتب حدیثی، مورد توجه امامان معصوم (ع) و بزرگان شیعه بوده است. با توجه به این مؤلفه‌ها به یقین می‌توان بیان کرد به عنوان یک مرکز حدیثی تأثیرگذار دارای فعالیت‌های چشم‌گیری بوده است که این نقش برجسته در ارتباط حوزه قم به عنوان یکی از مراکز مهم شیعه با آن با ذکر بیش از ۹۰۰ روایت از روایت اهوازی در کتب مهم قمی‌ها قابل مشاهده است.

حسن و حسین بن سعید اهوازی از راویان برجسته این مرکز حدیثی با تألیف کتب سی‌گانه نقطه عطفی را در جامع‌نگاری کتب فقهی شیعه به نمایش گذاشتند. علی بن مهزیار از دیگر راویان این مرکز پس از آنان به تألیف کتب فقهی به این شیوه پرداخت و سپس این روش در آثار دیگر راویان نیز مشاهده شد تا آنجا که رجالیون کتب روایی بسیاری را به کتب ایشان تشبیه کرده‌اند که این بیان و مشابهت در دیگر کتب متقدمین دیده نمی‌شود. این اثر بی‌بدیل برادران حماد اهوازی که برای اولین بار از طهارت تا دیات به تنظیم موضوعات فقهی پرداخت تا به امروز نیز در دسته بندی فهرست کتب فقهی وجود دارد که این مطلب بیانگر اهمیت و جایگاه این تألیف در میان فقه شیعه امامیه است.

همان‌طور که ملاحظه شد علی‌رغم عنایت ائمه اطهار (ع) به این منطقه مهم شیعی با توجه به تعداد وکلای ایشان و همچنین مهاجرت و ارتباط علمی راویان و محدثان مراکز مهم شیعه مانند قم، آن‌هم در اوج مرجعیت علمی، منطقه اهواز با این ویژگی‌های منحصر بفرد در پژوهش‌های حدیثی مغفول واقع شده است و آنچه در کتب رجالی مرجع از این دیار به یادگار مانده نیازمند توجه، بازخوانی و تحقیق محققان عرصه حدیث است تا یافته‌های جدید برگ تازه‌ای از تاریخ حدیث را بنمایاند.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵ق)، «کمال الدین و تمام النعمه»، تهران، الاسلامیه.
۲. _____ (۱۴۰۵ق)، «کمال الدین و تمام النعمه»، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۳. _____ (۱۳۷۸ق)، «عیون أخبار الرضا (ع)»، تهران، جهان.
۴. _____ (۱۴۱۳ق)، «من لا یحضره الفقیه»، قم، جامعه مدرسین.
۵. _____ (۱۳۷۶ش)، «الأمالی (للمصدوق)»، تهران، کتابچی.
۶. _____ (۱۳۸۵ش)، «علل الشرائع»، قم، مومنین.
۷. _____ (۱۴۰۳ق)، «معانی الأخبار»، قم، جامعه مدرسین.
۸. _____ (۱۳۶۲ش)، «الخصال»، قم، نسیم کوثر.
۹. ابن بابویه، علی بن حسین، (۱۴۰۴ق)، «الإمامة و التبصرة من الحيرة»، قم، مدرسه امام مهدی (عج).
۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، «معالم العلماء»، بیروت، دار الاضواء.
۱۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ش)، «کامل الزیارات»، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
۱۲. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۸۱)، «الفهرست»، به کوشش رضا تجدد، تهران، اساطیر.
۱۳. ابو صلاح حلبی، تقی بن نجم، (۱۳۷۵ش)، «تقریب المعارف»، مشهد، محقق.
۱۴. ابو غالب زراری، احمد بن محمد، (۱۳۶۹ش)، «رسالة فی آل اعین»، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الاسلامیه.
۱۵. ابونعیم، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۰ق)، «تاریخ اصبهان»، لبنان، دارالکتب العلمیه.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، «کشف الغمه فی معرفة الأئمة»، تبریز، بنی هاشمی.
۱۷. اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی، (۱۴۰۸ق)، «النوادر»، قم، مدرسه امام مهدی (عج).
۱۸. اصفهانی، ابوالفرج، (۱۳۸۵ش)، «مقاتل الطالبیین»، قم، دارالکتاب.
۱۹. اهوازی، حسین بن سعید، (۱۳۹۹ق) «الزهد»، قم، المطبعة العلمیه.
۲۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۴۲ش)، «رجال البرقی»، تهران، نشر القیوم.

۲۱. _____ (۱۳۷۱ ق)، «*المحاسن*»، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۸۷ ش)، «علی بن مهزیار کارگزار ویژه حضرت امام هادی (ع)»، *مبلغان*، شماره ۱۱۰.
۲۳. جباری، محمد رضا، (۱۳۸۴ ش)، «*مکتب حدیثی قم*»، قم، زائرآستانه مقدسه.
۲۴. جدیدی نژاد، محمدرضا، (۱۴۲۲ ق)، «*معجم مصطلحات الرجال و الدرایه*»، قم، موسسه دارالحدیث.
۲۵. جعفریان، رسول، (۱۳۹۳ ق)، «*تشیع در اهواز در سه قرن نخست اسلامی*»، به کوشش علی هدایت، اهواز/آبادان، مورخ.
۲۶. حجت، هادی، (۱۳۸۸ ش)، «*جوامع حدیثی شیعه*»، تهران، دانشکده علوم حدیث.
۲۷. حسین پوری، امین، (۱۳۸۲ ش)، «علی بن مهزیار اهوازی»، *حدیث و اندیشه*، شماره ۵ و ۶.
۲۸. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، (۱۳۸۱ ش)، «*خلاصه الاقوال*»، نجف، المطبعة الحیدریه.
۲۹. حلی، حسن بن داوود، (۱۳۹۲ ق)، «*کتاب الرجال*»، به کوشش سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف، مطبعة الحیدریه.
۳۰. خوبی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ ق)، «*معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*»، بی جا، بی نا.
۳۱. دارقطنی، علی بن عمر، (۱۴۲۴ ق)، «*سنن دار القطنی*»، قم، موسسه الرساله.
۳۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۹ ش، «*فرهنگ فارسی دهخدا*»، تهران، دهخدا.
۳۳. رضوی، سید ابوالفضل و گل افشان، عزیز، (۱۳۹۴ ش)، «*تاملی بر زمینه های ورود تشیع به خوزستان در قرون نخستین اسلامی*»، *پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران*، سال چهارم، شماره ۱.
۳۴. صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، «*بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*»، قم.
۳۵. طباطبائی، سید کاظم، (۱۳۸۸ ش)، «*جامع نویسان پیش از کلینی*»، *علوم حدیث*، شماره ۵۱.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۶ ش)، «*إعلام الوری بأعلام الهدی*»، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.

مرکزیت حدیثی اهواز و جایگاه آن در جامع نگاری فقه امامیه در سده دوم و سوم <۱۷۱>

۳۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق)، «رجال الطوسی»، به کوشش شیخ جواد القیومی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۸. _____ (۱۴۱۴ ق)، «الفهرست»، به کوشش شیخ جواد القیومی، قم، مؤسسه النشر الفقاهة.
۳۹. _____ (۱۴۱۱ ق)، «الغیبه»، قم، دارالمعارف السلامیه.
۴۰. عباسی، علی اکبر و عبیدی پور، هدیه، (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه علی بن مهزیار و خاندان وی در وکالت ائمه (ع)»، «روزگاران»، سال یازدهم، شماره ۱۴۹.
۴۱. عدالت نژاد، سعید، (۱۳۸۷ ش)، «حسین بن سعید اهوازی»، «دانشنامه جهان اسلام»، شماره ۱۳.
۴۲. قدامه بن جعفر، (۱۹۸۱ ق)، «الخراج و صناعة الكتابة»، بغداد، دار الرشید للنشر.
۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، «تفسیر قمی»، قم، دارالکتاب.
۴۴. کاشف الغطاء، محمدحسین، (۱۴۱۵ ق)، «اصل الشیعه و اصولها»، به کوشش علاء جعفر، قم، مؤسسه امام علی (ع).
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۵۰ ش)، «الکافی»، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۶. کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ ش)، «اختیار المعرفه الرجال»، مشهد، دانشگاه مشهد.
۴۷. ماسینیون، لوئی، (۱۳۸۸ ش)، «جغرافیای تاریخی کوفه»، ترجمه عبدالرحیم قنوت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، «بحار الانوار»، بیروت، موسسه الوفا و داراحیا التراث العربی.
۴۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، «الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد»، قم، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید.
۵۰. معین، محمد، (۱۳۵۰ ش)، «فرهنگ فارسی معین»، تهران، معین.
۵۱. موحد ابطحی، محمدعلی، (۱۴۰۰ ق)، «تاریخ آل زراره»، اصفهان، مطبعة ربانی.
۵۲. موسوی، سید محسن، حسین زاده، اکرم، (۱۳۹۸ ش)، «بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی»، «مطالعات تاریخی قرآن و حدیث»، شماره ۶۵.
۵۳. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۷ ش)، «حوزه ها و مکاتب حدیثی»، قم، دانشگاه قرآن و حدیث.

۵۴. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۶ق)، «*فهرست اسماء مصنفی الشیعه*»، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۵. نمازی شاهرودی، علی، (۱۴۲۶ق)، «*مستدرکات علم رجال الحدیث*»، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵۶. هدایت پناه، محمد رضا، (۱۳۹۶ش)، «*مواجهه حوزه اهواز با فرقه های مذهبی و تبیین اعتقادات شیعی در دوران ابناء الرضا(ع)*»، *سخن تاریخ*، شماره ۲۶.
۵۷. _____ خانجانی، قاسم، (۱۳۹۵ش)، «*مناسبات فکری دو حوزه علمی تشیع قم و اهواز در قرنهای دوم و سوم هجری*»، *تاریخ اسلام*، شماره ۶۸.